*بسم الله الرحمن الرحیم*

*اللهم صل علی فاطمه وابیها وبعلها وبنیها*

*گزارش مباحثه ششم / سوره مبارکه زلزال / یازدهم فروردین 1393*

*سوالات مباحثه:*

بر طبق مفاهیم عمیق سوره مبارکه زلزال با زدن چه عینکی بر چشم! بزرگ بینی رویتمان به حد "ذره" می رسد؟

این ذره بینی چشم، چگونه به پای عمل قدرت شتاب و سبقت می دهد ؟

بر طبق این سوره وزن هر ذره عمل را با چه ترازویی باید سنجید که خفیف یا ثقیل بودنش را به درستی محاسبه کرده و از اخبار زمین در این مورد به لرزه در نیاییم؟

جمع آوری نظرات:

آیات سوره

1. وقتی که زمین آن زلزله مخصوصش را آغاز می‏کند .
2. و زمین آنچه از مردگان (و یا معادن) که در شکم دارد بیرون می‏ریزد.
3. و انسانها از در تعجب می‏پرسند: زمین را چه شده است.
4. در آن روز زمین اخبار و اسرار خود را شرح می‏دهد.
5. آری پروردگار تو به وی وحی کرده که به زبان آید و اسرار را بگوید.
6. در آن روز مردم یک جور محشور نمی‏شوند بلکه طایفه‏هایی مختلفند تا اعمال هر طایفه‏ای را به آنان نشان دهند .
7. پس هر کس به سنگینی یک ذره عمل خیری کرده باشد آن را می‏بیند.
8. و هر کس به سنگینی یک ذره عمل شری کرده باشد آن را خواهد دید.

زلزله ای عظیم رخ خواهد و باطن اعمال انسان ها همه ظاهر خواهد شد و حتی زمین به تمام اعمالی که بر روی آن انجام شده است شهادت خواهد داد

تنها انسان هایی تعادلشان حین زلزله حفظ خواهد شد که ساختار وجودشان منطبق بر قوانین واحد الهی ساخته شده باشد.

پس حوادث بعد از این زلزله بسیار مهم است و برای اینکه در این زلزله به لرزه در نیاییم باید اول از همه بدانیم ملاک و میزان سنجش چیست که اعمالمان را در همین دنیا توسط آنها میزان کنیم.

طبق آیه" وَ الْوَزْنُ یَوْمَئِذٍ الْحَقُّ" این برداشت می شود که آن میزانى که در قیامت اعمال با آن سنجیده مى‏شود همانا" حق" است، به این معنا که هر قدر عمل مشتمل بر حق باشد به همان اندازه اعتبار و ارزش دارد، و چون اعمال نیک مشتمل بر حق است از این رو داراى ثقل است. بر عکس عمل بد از آنجایى که مشتمل بر چیزى از حق نیست و باطل صرف است لذا داراى وزنى نیست، پس خداى سبحان در قیامت اعمال را با" حق" مى‏سنجد و وزن هر عملى به مقدار حقى است که در آن است.

از امام صادق علیه‌السلام در رابطه با موازین قسط سوال کردند فرمودند: «هم الانبیاء و الاوصیاء» بنا بر این هرچه اعمال ما به اعمال انبیاء و اولیای الهی شبیه‌تر و نزدیکتر باشد وزین‌تر هم خواهد بود.(تفسیر احسن الحدیث ،ج 6،518)

به عنوان حق مطلق زمان ما بحث بحث امام زمان شناسی و نزدیک تر شدن به ایشان ومنطبق کردن اعمال با رضایت ایشان است....

و همچنین اگر انسان بداند ذره ذره کارهایش ثبت می شود دقت خود را در حد ذره بالا برده به هر کار خیری برخورد کرد آن را بزرگ شمرده و از دستش نمی دهد و از طرفی برای دوری از ذره ذره شر کوتاهی نمی کند و این موجب حرکت و سبقت به سوی خیر می شود.

پس در درجه اول باید رؤیتمان را درست کنیم،تا حق و مصداق های آنرا ببینیم و با زدن عینک ثقل بین بتوانیم به رویت ذره ذره ی اعمالمان برسیم و ثقل عمل را میزان بودنش با حق تعیین می کند.

برای رسیدن به این عینک باید قول فصل پیدا کنیم که البته همان حق است.با توجه به معنای قول فصل باید سعی کنیم اولویت ها رو مشخص کنیم و معیار هم، قرآن و سیره معصومین (ع) است.و در درجه بعد نیز باید ازعقل بهره گرفت.

و از آنجایی که پیرامون معنای اشتاتا ، محشور شدن انسان ها به شکل عذابی است که به آن معذب هستند، در قیامت هرکس به دنبال رهبری که انتخاب کرده است مبعوث می شود ، پس باید راه صحیح را شناخت ، ولی و امام را شناخت و دنباله رو آنها بود.باید از قرآن به عنوان برنامه و نقشه این راه کمک گرفت.  
باید دانست که هستی شعور دارد (یومئذ تحدث اخبارها...)   
و در قیامت راه هرگونه انکار بسته است (یروا اعمالهم...)   
و اینکه همه مردم در دادگاه عدل الهی یکسان اند (فمن یعمل...)

و در کل حق بودن هرعمل شروطی دارد:

قدم اول: اینکه جز اعمال حرام یا همان گناه نباشد  
دوم: اینکه واجبات برای خدا باشد.....یعنی همان اخلاص عمل... و از ریا،عجب و... به دور باشد  
و در قدم بعدی: مبحث مکروهات و مستحبات...

شاید بهتر باشد برای فهم عملی قضیه عمل مبتنی بر حق را جزیی و دسته بندی کرد به حق الناس و حق الله. باطل نیز مبتنی بر هوای نفس است.  
پس شاید بتوان گفت که در ذره ذره اعمالمان اگر رضایت نفس جلب گردید آن عمل شر و اگر رضایت الله و ناس جلب شد آن عمل خیر بوده است.

و انسان اگر که بداند هیچ باور، فکرو رفتار خنثی در عالم وجود ندارد و هر کار او حتی به اندازه ذره ای به ثبت می رسد، می تواند آرام آرام به ذره بینی برسد،چرا که خالقی بزرگ و واسع ، محیط به همه ی عالم است.

در حسابرسی از خودمان کوتاهی نباید کرد: "حاسبوا قبل ان تحاسبوا..." این انتقاد از خودمان می شود یک پیش لرزه برای زلزله عظیم! یعنی همان میزان کردن خود....یعنی همان کسب آمادگی برای واقعه عظیم قیامت.

در مواجهه با هر حقی باید یه زلزله در ما به وجود بیاید آنگاه از نقطه ی ضعفمان از جایی که باطل در عملمان رسوخ کرده حتی به قدر ذره فرو می ریزیم ....

در حدیثی امام علی (ع) می فرمایند : اگر قیامت شود( زلزله بیاید) " ذره" ای بر علمم افزوده یا ازآن کاسته نمی شود .

واین یعنی ایشان خود زلزله و نبا عظیم هستند و آنقدر میزان اند که آخرت برای آنها علم تازه ای نسبت به اعمالشان ایجاد نمی کند و همه چیز برای آنها در همین دنیا روشن است.

دعای پنجاه صحیفه سجادیه :( ترس از حق)  
خداوندا! تو مرا تندرست آفریدى، و از خردى پروردى، و به قدر کفایت روزى دادى.  
خدایا! من در کتاب منزل تو این مژده را که به بندگان خود داده اى یافتم، فرمودى: یا عبادىَ الَّذِینَ... اى بندگان من که بر خویشتن ستم کردید، از بخشایش خدا ناامید نباشید که خداوند همه گناهان را مى آمرزد. و پیش از این اعمالى را مرتکب شدم که تو مى دانى و به از من مى دانى، پس ‍ از رسوایى آن اعمال من که نامه تو یکى یکى بر شمرده است.  
و اگر از چند جا امید عفو از تو نداشتم، که همه را شامل است، دست از نجات مى شستم، و اگر کسى مى توانست از پروردگار خود بگریزد، من سزاوارترین مردم بودم به گریختن از تو، هیچ چیز در آسمان و زمین بر تو پنهان نیست، بلکه همه چیز را تو حاضر مى آورى و به بهترین جزا پاداش ‍ مى دهى و شماره آن را نیکو مى دانى.  
خدایا! اگر من فرار کنم، تو جوینده منى و اگر بگریزم، مرا دریابى، اینک خود پیش تو به فروتنى، خوار و زبون ایستاده ام، اگر مرا عذاب کنى سزاوارم و مقتضاى عدل تو اى پروردگار همین است و اگر در گذرى، دیرى است که عفو تو شامل حال من بوده است و مرا خلعت عافیت پوشانیده اى.  
پس خداوندا! سؤ ال مى کنم به نام هایى که در گنج پنهان خو اندوخته اى و به آنروشنى تو که در پس پرده ها پوشیده است، بر این جان فکار ببخشایى و بر این استخوان پوسیده رحمت آورى، چون تاب گرمى آفتاب تو را ندارد. چگونه تحمل گرمى آتش دوزخ کند؟ توانایى شنیدن بانگ رعد ندارد، چگونه خبر خشم تو را بشنود.  
پس اى خدا! بر من رحم کن که من بى قدر و ناچیزم، و عذاب من ذره اى بر مُلک تو نیفزاید و اگر هم بیفزاید هر چند فزونى ملک تو را دوست دارم ، اما از تو مى خواهم از این افزایش در گذرى، لکن اى خداى من! پادشاهى تو بزرگتر از آن و ملک تو استوارتر از آن است که طاعت مطیعان بر آن بیفزاید، یا معصیت گنهکاران از آن بکاهد.  
پس بر من رحم کن اى مهربان ترین مهربانان، و از من درگذر اى ذالجلال و الاکرام، و توبه مرا بپذیر که تویى بسیار پذیرنده توبه و مهربان.